



# انترناسیونال

## ۷۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۱ اسفند ۱۳۸۳، ۱۱ مارس ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

جهان ما، جهان تناقض ها!

آرش سمیعی - تهران

صفحه ۵

۸ مارس در کشورهای مختلف

اطلاعیه تشکیلات خارج

صفحه ۵

پرچم سفید یا پرچم سرخ!

در حاشیه رویدادها

صفحه ۶

سیاوش مدرسی

## گفتگو با مینا احدی

به مناسبت شرکت در کنفرانس جهانی زنان در سازمان ملل



مینا احدی در جلسه عمومی سازمانهای غیر دولتی  
کنفرانس پکن + 10 - محل سازمان ملل

"پلاتفرم عمل" تا چه حد پیش رفته و گزارش دولتها در مورد اجرای این پلاتفرم چیست. کنفرانس پکن، ۱۰ سال قبل با حضور سی هزار زن از اقصی نقاط جهان برگزار شد و در پایان در کنفرانس دولتها قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن از

صفحه ۲

۱۱ مارس، هزاران نفر از سراسر دنیا در محل سازمان ملل در نیویورک در کنفرانسی با عنوان پکن بعلاوه ۱۰ شرکت کردند تا نگاهی به اوضاع و موقعیت زنان در دنیا انداخته و بویژه این امر را مورد بررسی قرار دهند که پلاتفرم پایانی کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵،

انترناسیونال: شما به عنوان مسئول کمپین علیه سنگسار در کنفرانس جهانی زنان تحت عنوان پکن بعلاوه ۱۰ در نیویورک حضور داشتید. اهداف این کنفرانس جهانی چیست و شما با شرکتتان چه اهدافی را دنبال میکردید؟  
مینا احدی: روزهای ۲۸ فوریه تا

## ۸ مارس، شاخصی دیگر بر هژمونی چپ

اصغر کریمی

صفحه ۴

کاریکاتوری از انقلاب مخملی! نقدی بر "منشور سرنگونی" منشعبین

نوشته حمید تقوایی

ضمیمه ۷۸، سه شنبه منتشر میشود

## این کودک

### چرا گریه

### میکند؟

صفحه ۶



## ۸ مارس

## در ایران

شهلا دانشفر

هشت مارس در تمام شهرها در ایران، ما شاهد يك جنب و جوش وسیع برای برپایی هر چه باشکوهتر این روز بودیم. از

صفحه ۴



## گفتگو با علی جوادی

در باره بیانیه دفتر سیاسی علیه فقر

ریشه کن کردن فقر است، صدور چنین بیانیه ای در شرایط امروز چه ضرورتی دارد؟

صفحه ۳

است. با توجه به اینکه مبارزه با فقر و برای جامعه ای مرفه بخش لاینفکی از اهداف مبارزاتی حزب است و بخشی از برنامه حزب مشخصا در باره ریشه فقر و راه

محسن ابراهیمی: دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۸۳ بیانیه ای تحت عنوان "علیه فقر" صادر کرد. (این بیانیه در شماره ۷۴ انترناسیونال چاپ شده

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## گفتگو با مینا احدی

حقوق زنان و معضلات و مواضع پیشروی زنان صحبت شده و بهبود در این موقعیت را خواستار شده بودند. ۵ سال قبل يك مجمع بزرگ بررسی و ارزیابی این موضوع با عنوان "پکن بعلاوه پنج" برگزار شد و این مجمع بزرگ ده سال بعد از پکن و باز هم یکی از بزرگترین تجمعات سازمانهای مدافع حقوق زنان از سراسر دنیا بود. من عضو هیئتی بودم که از "مرکز اروپایی جمع آوری اطلاعات در مورد خشونت بر علیه زنان" و کمیته بین المللی علیه سنگسار در این کنفرانس شرکت کردیم. هدف من رساندن صدای زنان از کشورهای اسلام زده و ایران به گوش جهانیان، به تصویب رساندن يك قطعنامه بر علیه سنگسار و در عین حال نمایندگی کردن راه حل رادیکال و انقلابی در مورد معضلات زنان در دنیا بود.

**انترناسیونال:** همزمان با کنفرانس پکن بعلاوه ۱۰ که با حضور نمایندگان دولتها برگزار شد، تجمعی از هزاران نماینده از سازمانهای غیر دولتی در جریان بود. شما یکی از سخنرانهای این بخش بودید. برنامه تان چگونه پیش رفت؟

**مینا احدی:** من در اولین روز کنفرانس در يك "ورك شاپ" بهمراه رزا لوگاز از سازمان "وایو" سخنرانی کردیم. سازمان وایو سازمانی است که در سطح اروپا به نقض حقوق زنان اعتراض کرده و اطلاعات در این مورد جمع میکند. نمایندگان این سازمان از پرتغال و فرانسه و دانمارک نیز در این جلسه گزارشی از موقعیت و معضلات زنان در این کشورها به جمع ارائه دادند. من در این جلسه در مورد موقعیت زنان در ایران و کشورهای اسلام زده به اختصار صحبت کردم و سپس در مورد سنگسار بعنوان يك وسیله مهم در دست جریانهای تروریست اسلامی و اسلام سیاسی در حمله به زنان و عقب راندن آنها و مردم و همچنین در معرفی فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار صحبت کردم و در پایان با محکومیت شدید جمهوری اسلامی بعنوان يك حکومت ضد زن، خواهان محاکمه و مجازات سران رژیم اسلامی بعنوان جنایتکاران علیه

بشریت شدم. ناگفته نماند نمایندگان جمهوری اسلامی در این نشست که چهار زن محجبه بودند، به صحبتهای من اعتراض کرده و گفتند به این جلسه نیامده اند که حکومتشان نقد شود. اینها البته از سوی جمع حاضر در جلسه مورد اعتراض قرار گرفته و به بیرون از جلسه راهنمایی شدند.

در عین حال من قطعنامه ای بر علیه سنگسار در جلسه سازمانهای غیر دولتی ارائه دادم که با تصویب آن در نظر داشتم نهایتاً به دولتهای مربوطه ابلاغ شود. نخست در يك مجمع بزرگ با حضور نمایندگان زنان از سازمانهای غیر دولتی از سراسر آمریکا شرکت کردم و این قطعنامه را در این جمع معرفی کردم، سپس در يك جلسه با حضور همه سازمانهای غیر دولتی از اروپای شرقی شرکت کرده و این قطعنامه را معرفی کردم و در پایان در يك جلسه با حضور همه سازمانهای غیر دولتی از سراسر دنیا این قطعنامه قرائت شد و مورد استقبال جمع قرار گرفت. تعداد زیادی از سازمانهای غیر دولتی این قطعنامه را امضا کردند.

**انترناسیونال:** مطلع شدیم که سخنرانیها و ایشاگریهای شما نمایندگان جمهوری اسلامی در بخش دولتی کنفرانس را در شرایط بسیار بدی قرار داده است. دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟ واکنش نمایندگان چگونه بود؟

**مینا احدی:** من يك نامه سرگشاده خطاب به حاضرین در کنفرانس نوشته بودم که در آن در مورد حکم اعدام کبرا رحمانپور صحبت شده بود و اعدامهای بیشمار در ایران افشا و محکوم شده بود. این نامه وسیعاً در بین حاضرین توزیع شد و توجه های زیادی بخود جلب کرد. اما روزی که قرار بود زهرا شجاعی گزارش دولت ایران به جمع را بدهد، من يك نامه و يك اطلاعیه آماده کردم که در آن گفته بودیم زهرا شجاعی چه چیز را به شما خواهد گفت. این متن وسیعاً در بین همه شرکت کنندگان پخش شد و بویژه ساعاتی قبل از سخنرانی زهرا شجاعی در بین نمایندگان دولتها و همچنین حاضرین در جلسه دولتها

توزیع شد. به نحوی که همراهمان شجاعی و خودش قبل از سخنرانی از این نامه اطلاع یافتند و ظاهراً اعتراض هم به این موضوع کرده بودند. در عین حال من از مسئولین تصمیم گیرنده در مورد سازمانهای غیردولتی تقاضا کردم که به من اجازه دهند همان قدر که شجاعی حرف زده، اجازه صحبت کردن در جلسه دولتها را داشته و گزارش آلترناتیو خودم را به جمع ارائه دهم. بسیاری از دست اندرکاران سازمانهای غیر دولتی به این امر پاسخ مثبت داده و در این مورد يك جلسه فوق العاده در محل کنفرانس گرفته شد و قرار شد با تبادل نظر با مسئولین مربوطه و بویژه مسئولین کنفرانس دولتها این امر بررسی شود. روز بعد از این جلسه، اعلام کردند که امکان سخنرانی من در کنفرانس دولتها نیست.

مطرح کردن قطعنامه بر علیه سنگسار و افشای جنایات جمهوری اسلامی در این مورد نیز نفرت و انزجار زیادی بر علیه حکومت اسلامی دامن زده بود که به مذاق نمایندگان حکومت اسلامی طبعاً خوش نمی آمد. بهرحال هیئت جمهوری اسلامی ایران، يك هیئت بهم ریخته، منزوی و درب و داغان بود که با افشاگریها و بویژه نامه ما که در حقیقت يك گزارش آلترناتیو در این کنفرانس بود، خاطر این جمع پریشان و منزوی و بی روحیه و بهم ریخته، پریشانتتر شد. کلاً بر خلاف تبلیغات زهرا شجاعی، موقعیت این جمع و زنان محجبه در این کنفرانس تعریف چندانی نداشت. تصور کنید تعداد ۱۵-۱۰ نفر زن در مقابل هزاران نفر فعالین حاضر در کنفرانس، با حجاب اسلامی در کریدورها و سالنهای جلسات رفت و آمد میکردند. هیئت جمهوری اسلامی بطریق اولی منزوی تر و بی روحیه تر از همه بود چرا که دوران قدر قدرتی این جماعت بسر آمده و ریختن پشمشان در ایران را در این تجمعات نیز میشد مشاهده کرد. وقتی من در سالنها گزارش خودمان از موقعیت زنان را با عکس زنی که سنگسار میشود پخش میکردم، زنان با نفرت تمام از این قوانین و مقررات حرف میزدند و در جلسه سخنرانی خود نمایندگان محجبه حکومت هم دیدند که زنان با بغض و نفرت این عکس را پرت کرده و بر

علیه این رفتار وحشیانه با چشم پر از اشک حرف میزدند.

**انترناسیونال:** از دیگر وقایع این کنفرانس و جایگاه آن چه چیز دیگری دارید بگویید؟

**مینا احدی:** این کنفرانسی بود با حضور هزاران زن که در طول دو هفته بطور فشرده در مورد همه مسائل مربوط به زندگی زنان در آن بحث و تبادل نظر میشد. همزمان جلسه دولتها بود که امکان حضور در آنجا هم برای نمایندگان سازمانهای غیر دولتی بود. طبعاً نمایندگان دولتها سعی در توجیه موقعیت وخیم زندگی زنان و یا بزرگنمایی اقدامات خود میکردند. نماینده جمهوری اسلامی ایران در مورد ممنوعیت حجاب در کشورهای اروپایی و در حقیقت علیه آن طرح حرف زد و در مورد ظلم و ستم بر زنان در سراسر جهان و اینکه اوضاع در همه جا بد است و بدنبال آن در مورد اقدامات خودشان و مشکلاتشان که تلویحاً اشاره به اختلافاتشان بود صحبت کرد. اینها که نمیتوانند رسماً از قوانین و مقررات ارتجاعی و از خشونت وحشیانه حکومتشان بر علیه زنان حرف بزنند، مجبور بودند به صحرای کربلا زده و حرفهایی بزنند که ربطی به ارائه گزارش از ده سال اقدامات در مورد "پلاتنفرم عمل" پکن نداشته باشد. دو روز بعد از این گزارش عشرت شایق به حرفهای زهرا شجاعی انتقاد کرد و از اینکه در مورد حضور زنان در نیروهای انتظامی حکومت و مجلس حرفی نزده به وی اعتراض میکند. و شجاعی پاسخ میدهد که این گزارش را با نظر خواهی تعداد زیادی تهیه کرده است. شجاعی البته بهتر از همه میداند که وضع هیئت زنان محجبه حکومت زن ستیز اسلامی خراب بود و انزوا و بی آبرویی از سر و روی آن می بارید.

**انترناسیونال:** خوشحال میشویم در فرصتی دیگر ارزیابی مورد نظرتان از کنفرانس را در انترناسیونال منعکس کنیم. آیا میتوانی حداقل به طور اختصار به رئوس ارزیابی ات از این کنفرانس اشاره کنی؟

**مینا احدی:** این يك تجمع بزرگ با حضور هزاران نفر از فعالین جنبش برای آزادی و برابری زنان در سراسر دنیا بود. نفس برگزاری چنین

تجمعی در خود مثبت است. در عین حال این تجمعی است که همزمان با آن نمایندگان دولتها مجبور میشوند به جمع گزارش داده و از اقدامات خودشان در مورد مسئله زن حرف زده و یا دفاع کنند.

همین هم درخود بیانگر قدرت جنبش زنان است. اما این کنفرانس زیر نظر سازمان ملل به پیش میروید و در حقیقت کنترل بر مباحث و خط و روش مسلط بر آن کنار آمدن با دولتها و یا در نهایت چانه زدن با دولتها برای بهبود اوضاع زنان است. اصلاً هم در اینجا و هم در کنفرانس پکن که من یکی از کسانی بودم که ممکن بود در کنفرانس دولتها سخنرانی کنم، به وضوح میگفتند که نباید از هیچ دولتی رسماً انتقاد کرد و این يك پرنسپ کار سازمان ملل است. و سازمانهای غیر دولتی با این سیاستها و با این سختگیریها کنار آمده و در حقیقت کارشان در نهایت کنترل شده و به يك چانه زنی کسالت آور تبدیل میشود که نتایج آن بسیار ضعیف است. عدم نقد دولتها، عدم ارائه تصویری واقعی از مشکلات، تصویری طبقاتی و مرتبط با منافع اقتصادی دولتهای سرمایه داری، این نوع فعالیتهای بتدریج حاشیه ای و حاشیه ای تر کرده و زنان را نا امید و منزوی میکند. این سیاست چانه زنی با دولتها حتی با يك درجه اغماض، اگر مثلاً در مورد سوئد و دانمارک و آلمان قابل توجیه باشد، دیگر در مورد جمهوری اسلامی ایران و عراق و افغانستان مسخره است. در همین کنفرانس زرنگترینهای هیئت جمهوری اسلامی ایران برای آبرو خریدن از همین استدلال استفاده میکردند. گویی سازمانهای غیر دولتی "دست ساز" حکومت اسلامی که اینها از آن نوعش بودند، در ایران هم مثل بقیه اروپا مشغول چانه زدن هستند و قرار است کم کم و بتدریج اوضاع در ایران هم بهتر شود. بویژه در مورد ایران که هر تغییر کوچکی به اعتراض و مبارزه و عقب راندن يك ماشین جنایت مخوف گره خورده است، مقایسه کردن ایران با سوئد در رابطه با نحوه تاثیر گذاشتن سازمانهای زنان بر حکومت واقعا چندان آور بود.

بهبود وضع زنان در هر جایی به اعتراض و مبارزه با حکومتها و

## از صفحه ۱ گفتگو با علی جوادی

**علی جوادی:** مبارزه علیه فقر و برای رفاه یک امر همیشگی ماست، اما مبارزه علیه فقر گسترده و اپیدمیک شده حاکم بر جامعه امری ضروری و عاجل است. همانطور که برای نابودی مالاریا زمانی که این بیماری اپیدمیک شود، مبارزه ای ویژه و خاص لازم است. ما در این بیانیه در باره ضرورت مبرم و حیاتی مبارزه همه جانبه علیه فقر و برپایی جنبشی گسترده بمنظور فقر زدایی از جامعه صحبت کرده ایم. تلاش دائمی ما کمونیستها برای مبارزه با فقر و ریشه کن کردن آن همانطور که اشاره کردید بخشی از اهداف مبارزاتی و جزئی دائمی از فعالیت حزب کمونیست کارگری است. یک مشخصه جنبش ما تلاش برای تامین رفاه شهروندان و نابودی فقر در جامعه است. اما این بیانیه از آنجا ضروری شده است که این مبارزه امروز اهمیتی ده چندان پیدا کرده است.

فقر امروز پیکر جامعه را در چنگال خود گرفته است. اکثریت عظیم مردم با معضل فقر و فلاکت دست به گریبانند. بنا به آمار رسمی خودشان خط فقر در جمهوری اسلامی معادل ۳۰۰ هزار تومان است. در حالی حداقل دستمزد کمی بیش از ۱۰۰ هزار تومان و متوسط دستمزد حقوق بگیران معادل ۱۷۰ هزار تومان است. تامین در آمد یک زندگی بخور و نمیر مستلزم کار اضافی و طاقت فرسا و شاغل بودن حداقل دو عضو خانواده است. به این وضعیت ناهنجار اقتصادی متأسفانه باید تن فروشی و حتی فروش اندام بدن را افزود. این اقدامات بخشی از اشکال درد آور تامین زندگی در شرایط کنونی هستند. باید برای تغییر این شرایط دهشتناک مبارزه ای همه جانبه را سازمان داد. بیانیه دفتر سیاسی "علیه فقر" پاسخی به این معضل جانگاز انسانی در شرایط امروز جامعه ایران است. این شرایط ویژه پاسخ و اقدام ویژه ای را نیز طلب میکند. باید جنبشی سراسری برای فقر زدایی در جامعه برپا کرد.

**محسن ابراهیمی:** بیانیه میگوید مسبب بلافصل فقر دهشتناک مردم رژیم اسلامی حافظ نظام سرمایه داری است. و بدرستی از سرنگونی رژیم اسلامی و از میان برداشتن کل

مردم کاهش دهیم. بطور مثال همانطور که ما برای انحلال ارتش حرفه ای مبارزه میکنیم در عین حال و مادام که ارتش حرفه ای موجود است برای از بین بردن اطاعت کورکورانه و تبعیت بی چون و چرا در ارتش تلاش میکنیم. در مورد لغو کار مزدی هم چنین روشی داریم. ما خواهان لغو کار مزدی هستیم. جامعه ای را که انسان ناچار به فروش و اجاره نیروی کارش باشد را دون شان انسان میدانیم. اما در عین مبارزه برای لغو کار مزدی خواهان وضع قوانینی برای کم کردن مشقات وجود کار مزدی و استثمار بر طبقه کارگر هستیم. مبارزه برای تحمیل اصلاحات بر رژیم سیاسی اقتصادی حاکم و مبارزه برای نابودی آن از نقطه نظر ما مبارزه ای تفکیک ناپذیر است.

**محسن ابراهیمی:** بیانیه میگوید که انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری نیست. منظورتان چیست؟

**علی جوادی:** یک تصور ارتجاعی رایج در بخشهایی از چپ فرقه ای غیر کمونیست و غیر کارگری این است که به هر درجه جامعه در فقر و فلاکت غوطه ور باشد به همان درجه آماده انقلاب است. این تصویری کاملاً مذهبی، بیمارگونه و ضد اجتماعی است. گویا انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری است. واقعیت این است که انقلاب کارگری انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. و به هر درجه که مردم و طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی برخوردار باشند، به همان درجه شرایط برای پیشروی نهایی و انجام انقلاب کارگری برای تامین رفاه و آزادی و برابری آماده تر و مهیا تر است. ایجاد شرایط فلاکتبار اقتصادی و تحمیل فقر و فلاکت همه جانبه بر طبقه کارگر و مردم از جانب جمهوری اسلامی عاملی در کنار ابزارهای متعدد سرکوشش در کنترل اوضاع و جلوگیری از گسترش همه جانبه اعتصاب و اعتراض سراسری طبقه کارگر است.

**محسن ابراهیمی:** در بخش مطالبات، بیانیه از تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران صحبت میکند. در مورد ابعاد این مطالبه و تاثیراتش در زندگی

مبارزه کارگران بیشتر توضیح دهید. ضمناً این مطالبه چقدر قابل تحمیل در چهارچوب نظام سرمایه داری است؟

**علی جوادی:** تلاش برای تعیین حداقل دستمزد که مستلزم تامین یک زندگی مرفه و انسانی باشد، مبارزه ای چند وجهی و دارای ابعاد متفاوتی است. در درجه اول حداقل دستمزد باید کفاف یک زندگی انسانی با استاندارد متعارف و قابل قبول در قرن بیست و یکم باشد. کلمه حداقل نباید به معنی پایین ترین سطح درجه زندگی تعبیر شود. بلکه بر عکس حداقل دستمزد باید خود تامین کننده یک زندگی معقول و قابل قبول برای کارگر در جامعه باشد. بعلاوه کارگران باید خود حداقل دستمزد را خودشان تعیین کنند. نه کارفرما. نه شورای عالی کار. و نه دولت مدافع سرمایه و کارفرما. کارفرمایی که قبول ندارد کارگر انسان است. دارای نیازهای متنوع و همه جانبه است مرجع خوبی برای تعیین دستمزد کارگر نیست! در جوامع سرمایه داری اساساً این فروشنده کالا است که قیمت کالای مورد فروش را تعیین میکند. در این جامعه مالکیت مقدس است. مالک و مغازه دار و صاحب کالا تعیین کننده قیمت کالاهایی هستند که در معرض فروش قرار میدهند. و این قانون آهنگ این جامعه است. صاحب خانه اجاره خانه را تعیین میکند. اما در مورد دستمزد کارگر اینطور نیست! از نقطه نظر من مادامی که نیروی کار کالایی قابل فروش و عرضه در جامعه است، کارگر و نمایندگان واقعی کارگران باید خود تعیین کننده قیمت فروش نیروی کارشان باشند. در تعیین حداقل دستمزد ابتدا باید استاندارد زندگی و نیازهای یک زندگی مرفه را تعیین کرد و سپس بر مبنای آن به رقمی رسید که برای تامین این زندگی لازم است. در این زمینه در فرصتهای دیگر میتوان بیشتر و همه جانبه تر صحبت کرد.

**محسن ابراهیمی:** در همین بخش کلمه رایگان و همگان در اکثر بندها به چشم میخورد. خدمات بهداشتی رایگان، شبکه حمل و نقل درون شهری رایگان، آموزش عمومی رایگان، و البته همه این تسهیلات

باید برای همگان فراهم باشد. من یاد دهها و دهها وکلای مدافع سیاسی صاحبان سرمایه می افتم که میگویند مگر ممکن است اینها رایگان باشند. جامعه از عهده اش بر نمی آید. سرمایه ها فرار میکنند و... نظرتان در این مورد چیست؟

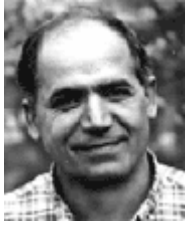
**علی جوادی:** آیا استدلال و فاکتی این مدافعين سرمایه را قانع خواهد کرد؟ استدلالشان تنها نشاندهنده مشخصات سیستم اقتصادی اجتماعی است که از آن حمایت میکنند. روز روشن ادعا میکنند که در نظامشان همگان نمیتوانند از بهداشت و آموزش و درمان و مسکن مناسب برخوردار باشند. شرم آور است. در این نظام رفاه شهروندان باعث اخلاص در انباشت و کارکرد سرمایه میشود. البته این دسته از استدلال را باید در کنار استدلالی قرار داد که میگوید نمیگذاریم، نمیخواهیم، و یا اجازه نمیدهیم. این استدلال تلاشی برای به تسلیم کشاندن و بازداشتن طبقه کارگر و مردم از حقوق انسانی شان است. از وکلای مدافع سرمایه انتظار دیگری نمیتوان داشت. اقتضای طبیعتشان این است. جدال بر سر تامین رفاه و امکانات رفاهی جامعه یک جدال عظیم طبقاتی است. سرمایه برای انباشت و سودش مبارزه میکند، کارگر و مردم زحمتکش هم برای رفاه و دستیابی به یک زندگی انسانی. این دو سوی یک جدال طبقاتی است.

اما این استدلالات پوچ است. جامعه ایران فقیر نیست. مردم فقیرند. علت فقر و فلاکت مردم نه عدم وجود "امکانات" در جامعه بلکه مصالح اقتصادی و سیاسی نظام است. اقلیتی صاحب سرمایه و وسائل تولید زندگی و معیشت مردم حاکم بر زندگی اکثریت عظیمی از مردم کار کن هستند.

میگویند ممکن نیست، نمیشود رفاه مردم را تامین کرد. بسیار خوب ما با سرنگونی این نظام ضد انسانی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی نشان خواهیم داد که رفاه و سعادت مردم ممکن است و جامعه دارای امکانات عظیمی در جهت تامین نیازمندیهای متنوع و گسترده مردم است. خوشبختی و سعادت مردم هدف تلاشهای ماست. \*

## ۸ مارس در ایران

از صفحه ۱



## ۸ مارس، شاخصی دیگر بر هژمونی چپ

اصغر کریمی

در حکومتی است که روز فاطمه زهرا را - تازه همین را هم تحت فشار جنبش دفاع از حقوق زن مطرح میکنند - بعنوان روز زن جا میزند و حجاب هویت ایدئولوژیک و سیاسی آن است، از هشت مارس بعنوان روز جهانی زن تجلیل کرد و به دفاع از آزادی پوشش! بلند شد. هشت مارس متعلق به سنت سوسیالیستی است، متعلق به کلارا زنکین است. اما جامعه چنان به چپ چرخیده است و فضای امسال چنان پربار و هشت مارس بود و تحرک چنان وسیع که اینها را مجبور کرد در گرامیداشت هشت مارس بیانیه بدهند و آنرا تجلیل کنند و به روز زن جنبش خود خیانت کنند و تسلیم چپ شوند.

در دانشگاهها که حتی جلسه معین را هم با شعار نان، آزادی و برابری بهم میزنند و در جنبش کارگری که امروز نقدش به جامعه از همیشه چپ تر و سوسیالیستی تر شده است و در کلیه جنبش های اجتماعی که لاقلاً يك مطالبه قابل دفاعی داشته باشد، راست جانی ندارد. راست هرروز موقعیتش در جامعه ضعیف تر میشود و طرحهای یکی پس از دیگری به بن بست میرسد و کنار گذاشته میشود. هشت مارس و جنبش برابری طلبانه زن سنگر دیگری بود که راست در مقابل آن زانو زد. هشت مارس به عنوان روز جهانی زن بیش از همیشه و عمیق تر و اجتماعی تر از همیشه میخ خود را کوید. \*

قشون کشی جمهوری اسلامی در این روز نبود، ما شاهد آنچه هشت مارس با شکوهی بودیم که چشم جهانیان را بخود خیره میکرد. زنده باد هشت مارس روز جهانی زن، زن باد همه دست اندرکاران و سازماندهندگان هشت مارس! \*

اهمیت سیاسی هشت مارس در ایران را از تعداد مراسم ها و تعداد شرکت کنندگان آن نمیتوان فهمید. امسال فضای جامعه کاملاً هشت مارس بود. به جرات میتوان گفت که میلیونها نفر به اشکال مختلف تحت تاثیر تبلیغات مربوط به هشت مارس قرار گرفتند و خود را در اهداف برابری طلبانه آن شریک میدیدند. تحرکی که دیده میشد که از همیشه وسیعتر بود و اگر به مانع نیروهای انتظامی برخورد نمیکرد ابعادی بسیار بزرگ بخود میگرفت، گوشه بسیار ناچیزی از نیروی عظیمی بود که خود را در اهداف آزادیخواهانه و برابری طلبانه هشت مارس شریک میدانند و خود را با آن تعریف میکنند. هشت مارس بطور بارزی قدرت جنبشی را نشان میداد که آزادی و برابری شعار اصلی آن بود. اینرا نه از تعداد مراسم بلکه از دو بیانیه از دو جریان، یکی حزب مشارکت اسلامی و دیگری حزب مشروطه ایران میشود فهمید.

حزب مشروطه ایران، اصلی ترین حزب جنبش ناسیونالیستی دست راستی پروغرب که تاکنون دشمنی اش را با برسمیت شناسی هشت مارس اعلام کرده بود و هرسال در مقابل هشت مارس، روز کشف حجاب رضاشاه را بعنوان روز زن در بوق میکرد، امسال اطلاعیه دادند و از هشت مارس بعنوان روز جهانی زن تجلیل کردند. حزب مشارکت اسلامی نیز که يك پایش

آپارتاید جنسی بود، خواهان برابری کامل حقوق زن و مرد در تمام زمینه های اجتماعی و سیاسی بود، خواهان آزادی بدون قید و شرط بیان، تشکل و تجمع بود و در یکی از این قطعنامه خواست تعطیلی رسمی هشت مارس برجستگی داشت. میتوان تصور کرد که اگر

جمع شدند، در مورد هشت مارس و اهمیت تاریخی این روز سخن گفتند و شیرینی و شکلات پخش کردند و این روز را گرامی داشتند.

در اهواز مراسمی در پارک ساحلی کنار رود کارون برگزار شد و در ارومیه نیز زنان و مردان آزادیخواه در پارک ساحلی شهر چایی شهر جمع شدند و هشت مارس را گرامی داشتند.

در اراک بعد از ظهر روز هشت مارس تعدادی از زنان و دختران و پسران جوان در پارکینگ شهر بازی این شهر در گرامیداشت این روز جمع شدند. در ابتدای مراسم تعدادی از دختران حاضر در محل با صدای بلند شعار زنده باد آزادی زن، مرگ بر حجاب اجباری را سر دادند که با استقبال حاضرین روبرو شد. نیروهای انتظامی در منطقه مستقر بودند.

در شهرهای کردستان علاوه بر سنندج و سقز در شهرهای کامیاران، پیرانشهر و نقده مراسم هشت مارس برگزار شد. در این مراسم قطعنامه داده شد و سخنرانی هایی در گرامیداشت روز جهانی زن و در نقد بیحقوقی زنان ارائه شد و این مراسم در فضایی پرشور و شاد پایان یافت. در اشنویه مردم به مناسبت این روز و گرامیداشت آن در خیابانها تجمع کردند و این روز را جشن گرفتند. همان آغاز روز بود که تعدادی از مردم در این شهر با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به خیابانها ریختند و نیروهای انتظامی به تظاهرات مردم حمله ور شدند. مردم اشنویه با نیروهای انتظامی درگیر شدند و این درگیری تا ساعت هفت بعد از ظهر ادامه یافت. در جریان این درگیری تعدادی از جوانان دستگیر شدند.

در بسیاری از این مراسم زنان و مردانی بودند که رویانهای قرمز هشت مارس "زنده باد آزادی زن" را به سینه زده بودند. در این روز در تمامی این شهرها تراکتهای ویژه هشت مارس پخش شد. يك جنبه قابل توجه هشت مارس امسال قطعنامه هایی بود که در مراسم مختلف در شهرهای مختلف پخش شد. قطعنامه هایی که در اکثر آنها تبعیض علیه زنان محکوم شده بود، خواهان نه به حجاب اسلامی و نه به

میکردند.

در پارک لاله در تهران جلوی اجتماع مردم را گرفتند. تعداد زیادی ماشین های نیروهای انتظامی از همان اول صبح در محل مستقر بودند. اما مردم در دسته های مختلف جمع شدند و با پخش شیرینی و شکلات این روز را به یکدیگر شادباش گفتند. در یکجا در همین پارک صد نفری جمع شده بودند و تعدادی از جوانان در آنجا برای نیروهای انتظامی سوت میکشیدند و آنها را هو میکردند. در همانجا بود وقتی که چند زن با رویان های قرمز زنده باد آزادی زن وارد پارک شدند نیروهای انتظامی مانع ورودشان شدند و گفتند رویانها را بردارید و زنان میگفتند امروز هشت مارس است و این رویانها دارد این را میگویید. در یکجا تعدادی از جوانان رویانهای هشت مارس را به دست گرفته و سوت میکشیدند.

در سنندج دو مراسم بزرگ برگزار شد و روز قبل از آن در هفت مارس جمعیت وسیعی جمع شد تا در پارک سپیدار به مناسبت روز جهانی زن مراسمی برپا کنند، که با دخالت تعداد زیادی نیروهای انتظامی برای جلوگیری از این مراسم مواجه شدند.

در اصفهان در سالن آمفی تاتر دانشگاه مراسمی برگزار شد و قطعنامه ای در دفاع از حقوق زنان و علیه قوانین حاکم قرائت شد. بخشی از مراسم بصورت تریبون آزاد بود. در این روز همچنین از ساعت ۴ تا ۱۰ شب در خیابانهای این شهر تعدادی از جوانان با پیمودن خیابانهای چهارباغ، سی و سه پل، دروازه شیراز و برخی نقاط دیگر، رویان قرمز هشت مارس و شکلاتهایی که بر کاغذهای آن شعارهای نه به آپارتاید جنسی و زنده باد آزادی زن نوشته شده بود را در میان مردم پخش کردند و مورد استقبال قرار گرفتند. حضور نیروهای رژیم در اطراف سی و سه پل و میدان انقلاب محسوس بود و حتی ماشینهای آتش نشانی را نیز به محل آورده بودند. در تبریز مردم در پارک ال گلی

شهرهای مختلف از تهران، اصفهان، تبریز، اهواز، ماهشهر، ارومیه، سنندج، سقز، پیرانشهر، نقده، مشهد گزارش داشتیم و تمامی این گزارشات بیانگر تلاش وسیع برای برگزاری هرچه با شکوهتر این روز از سوی سازماندهندگان و دست اندر کاران آن بود. این جنب و جوش بیش از یکماه بود که شروع شده بود. مجوز گرفتن ها و تدارک دیدن ها از مدتی قبل انجام گرفته بود. تراکتهای زنده باد آزادی زن در تمامی این شهر ها پخش شده بود. همه چیز حاکی از برپایی يك هشت مارس بزرگ و تاریخی بود. آنها در اوضاع سیاسی امروز ایران. آنها در جامعه ای که همه بخش های آن، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان همه و همه در التهاب مبارزه بسر میبرند. در تقابل با این جنب و جوش رژیم نیز خود را آماده میکرد، از چند روز مانده به هشت مارس فضای شهرها نظامی شده و حضور نیروهای انتظامی محسوس بود. روز هشت مارس جمهوری اسلامی به تقلائی زیادی افتاده بود. نیروهای خود را به خیابان کشید. مجوزهایی که قبلاً داده بود را لغو کرد. تلاش کرد جلوی اجتماعات مردم را بگیرد. به دستگیری فعالین و کسانی که میخواستند در این روز صدای اعتراض خود را علیه نابرابری زن و مرد و برای برابری و آزادی بلند کنند دست زد. دوربین های عکاسی را مصادره کرد و شکاند تا مبادا از صحنه های اعتراض مردم عکسی گرفته شود و در برابر افکار جهانی قرار گیرد.

اما علیرغم همه این تلاشها ما شاهد برگزاری مراسم در خیلی از شهرها بودیم.

در سفر وقتی نیروهای سرکوبگر رژیم مانع تجمع مردم و برگزاری مراسمشان در این روز شدند، مردمی که به محل آمده بودند دست به رژه هشت مارس زدند و مردمی که در پیاده رو ها ایستاده بودند و منتظر فرصتی بودند تا به صف رژه کنندگان بپیوندند با نگاههای تایید آمیز حمایت خود را از این حرکت با شکوه اعلام

## جهان ما، جهان تناقض ها!

آرش سمیعی - تهران

دنای عجیبی است! چند روز قبل خبری در رسانه های دنیا نظرم را جلب کرد. خبر استعفای وزیر دارایی دولت فرانسه!

آری، او استعفا داد چون فاش شده بود در خانه ای ششصد متری که متعلق به خودش بود، زندگی میکرد. و لابد دلیل اینکه همین مسئله باعث آبرو ریزی و شرمندگی اش شده و تحت فشار افکار عمومی مجبور به استعفا شده است. مثل همین خبر بیاد دارم که سالها قبل زمانی که لخ والس در راس قدرت حکومت لهستان بود، بعد از پایان دوره سمت دولتی اش به دلیل داشتن 11000 دلار در حساب بانکی اش به دادگاه فراخوانده شد که باید توضیح دهد که این پول را از کجا آورده است؟ تا اینجا هر شنونده ای تعجب میکند که کجای این اخبار عجیب اند.

البته اگر کسی از ثروتهای افسانه ای سران نظام و مافیای اقتصادی و سیاسی ایران با خبر نباشد، هیچ چیز عجیب و غریبی اتفاق نیافتاده است. ولی کافی است به ثروتهای نجومی مقامات جمهوری اسلامی ایران که به صورتهای مختلف به بیرون درز میکنند و یا در سایت های خبری خارجی و داخلی و در اثر درگیری های بالای حاکمیت درج میگردد، بیاندیشیم، انوقت تناقض و سر و ته بودن جهان ما بیشتر دیده میشود.

خانه ششصد متری که چیزی نیست، حضرات اسلامی در قصر های چند هزار متری زندگی میکنند. خجالت هم نمیکشند و ناراحت هم نیستند و استعفا هم نمی دهند. اصلا کسی مگر میتواند جرئت داشته باشد که بگوید چرا در کاخ زندگی میکنی؟ ماشین های چند میلیون دلاری راز کجا آوردی؟ و یا موجودی حسابهای بانکی تان از کجاست؟

در گوشه ای از این دنیا وزیر دارایی کشوری مانند فرانسه بدلیل داشتن خانه ای 600 متری مجبور میشود از سمت دولتی استعفا بدهد؛ در گوشه دیگری از دنیا فقط به خاطر 11000 دلار موجودی بانکی نخست وزیر کشوری به دادگاه فراخوانده میشود؛ ولی در ایران، سران حکومت اسلامی نمیدانند با

ثروتهای دزدیده و چپاول شده و انباشت شده از دسترنج کارگران و زحمتکشان جامعه ایران، چه کار کنند؟ و در کدام بانک و کشوری قایم کنند تا در فردای سقوط نظامشان به دردشان بخورد. در داخل کشور نیز هر عرصه ای که میتوان سود کلان انباشت کرد دست خود حضرات است. راست راست راه میروند، در بخشهای مختلف قدرت سیاسی و اقتصادی مملکت جا به جا میشوند، انگار مردم خبر ندارند که ثروتهای افسانه ای سرمایه داران اسلامی و غیر اسلامی کجاها قرار گرفته و چگونه با قبضه تمامی مصادر امور مشغول دزدی و غارت هستند. مسلم است که اگر در حال حاضر احتیاجی به استعفا نمیبینند، نیازی به جوابگویی در دادگاهی ندارند؛ ولی دور نیست زمانی که باید در مقابل چپاول دسترنج کارگران جوابگو باشند.

همین دو سال قبل بود که یکی از اقا زاده ها ( شهرام جزایری ) به علت درگیری های داخلی خودشان، دستگیر شد و در دادگاهی که از تلویزیون دولتی پخش شد، پرده از رشوه های کلان ( صد ها میلیون تومان) به همه مقامات و از جمله به رئیس دفتر رهبر برداشت. دور نیست که همه این صاحبان ثروتهای کلان باید در دادگاه و این بار در دادگاهی واقعی و مردمی حاضر شوند و پرده از غارت و چپاول ثروت اجتماعی مردم ایران برداشته شود. این دادگاه ها برای روشن کردن وضع ثروتهای اجتماعی چپاول شده و چگونگی باز گرداندن این ثروتها به خود مردم، یکی از دست آوردهای جنبش سرنگونی طلبی مردم و کارگران به رهبری حزب کمونیست کارگری ایران خواهد بود. \*

تترناسیونال: لازم به ذکر است که در همان کشور فرانسه و لهستان هم که نظام سرمایه داری دارند بین بخش فقیر و محروم جامعه و صاحبان سرمایه اختلاف فاحشی وجود دارد. این در حقیقت جزئی جدانشدنی از نظامهای سرمایه داری است. اما در آن کشورها، همچنانکه در مثالهای نویسنده این مطلب مشهود است، مبارزات طبقه کارگر توانسته است عقب نشینیهایی به نظام حاکم تحمیل کند که در مواقعی مجبور میشوند حد اقل برای حفظ ظاهر هم که شده به جامعه حساب پس بدهند. ا

### استکھلم

به مناسبت روز جهانی زن تظاهراتی در میدان مرکزی شهر استکھلم بر پا شد. شعارها و باندرولهای متعددی علیه آپارتاید اسلامی در ایران و در دفاع از برابری زن و مرد و خواست تعطیلی هشت مارس به چشم میخورد. مجری برنامه مهناز ماسوری بود و مهین علیپور، پیمان بخشایش، کیمیا یازوکی، گلناز پیره پور، حمید کدخدایی، و رضا سمیعی از سخنرانان این مراسم بودند. در بخش هایی از مراسم شرکت کنندگان شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و آپارتاید در ایران و در دفاع از آزادی زن و هشت مارس سر دادند.

### گوتنبرگ

به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران روز سه شنبه ۸ مارس یک تظاهرات و آکسیون بمناسبت روز جهانی زن در مرکز شهر گوتنبرگ سوند برگزار گردید که با استقبال گرم مردم روبرو شد. در این مراسم سوسن صابری دبیر کمیته حزب در گوتنبرگ در مورد اهمیت هشت مارس و جنبش برابری طلبان سخنرانی کرد. همچنین شهلا نوری از طرف سازمان آزادی زن و شراره نوری از طرف سازمان جوانان کمونیست در مورد وضعیت زنان و دختران در ایران و جنبش برابری طلبی زنان سخن گفتند.

### مالمو

روز هشت مارس در شهر مالمو در سوئد تظاهرات و راهپیمایی ای با شرکت صدها نفر برگزار شد. در این تجمع چندین نفر سخنرانی کردند و معصومه گاهانی یکی از زنانی که از جهنم اسلامی در ایران فرار کرده است یک سخنرانی پر شور داشت که مورد توجه بسیاری قرار گرفت.

### فرانکفورت

روز شنبه ۵ مارس به فراخوان تشکیلات حزب در آلمان در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی تظاهراتی به مناسبت روز جهانی زن صورت گرفت. آذر ماجدی در این تظاهرات شرکت داشت و در افشای جمهوری اسلامی و توحش اسلامی علیه زنان سخنرانی کرد. همچنین نازنین برونموند و شهلا خباززاده و

شهناز مرتب و شلر خوش پیام به زبانهای آلمانی و فارسی سخنرانی کردند.

### کلن

در مرکز شهر کلن یک غرفه اطلاعاتی که با شعارها و پوسترهای مربوط به هشت مارس مزین شده بود برپا شد. این مرکز مورد توجه و مراجعه بسیاری از مردم قرار گرفت و اعلامیه ها و نشریات بسیاری میان مردم توزیع گردید. در بعد از ظهر همین روز یک میتینگ نیز به مناسبت هشت مارس صورت گرفت. در این میتینگ مینا احدی در مورد روز جهانی زن و همچنین کنفرانس جهانی زنان در نیویورک سخنرانی کرد. محمد آسنگران در مورد هشت مارس در شهرهای ایران سخن گفت، شهلا خباززاده مسئول سازمان آزادی زن در آلمان نیز پیرامون هشت مارس و سازمان آزادی زن سخن گفت. خبرگزاری دیوچه وله گزارشی از این مراسم تهیه کرد و با مینا احدی مصاحبه نمود.

### برمن

روز هشت مارس در شهر برمن در آلمان یک پیکت و غرفه اطلاعاتی با شرکت فعالین و دوستداران حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان جوانان کمونیست و فدراسیون پناهندگان ایرانی بر پا شد. فعالین حزب در مورد شرایط سخت و سرکوب و مبارزات زنان در ایران سخنرانی کردند و شرکت کنندگان در این آکسیون شعارهای زنده باد هشت مارس و آزادی، برابری حکومت کارگری را سر دادند.

### روگیت

روز یکشنبه ۶ مارس ساعت ۵ بعد از ظهر یک تجمع و مراسم به مناسبت هشت مارس از طرف تشکیلات حزب در منطقه روگیت در آلمان در شهر Kleva برگزار گردید. محمد شکوهی در این مراسم شرکت کرد و به ایراد سخنرانی در رابطه با این روز همچنین جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در ایران پرداخت. این سخنرانی با استقبال شرکت کنندگان روبرو شد.

### تورونتو

تجمع و راهپیمایی و مراسمی به

## گزارشی از تظاهرات و مراسم هشت مارس در کشورهای مختلف

فراخوان "کمیته روز جهانی زن" از ساعت ۱۰ صبح در این شهر شروع شد و با راهپیمایی و سخنرانی ادامه یافت. تشکیلات حزب در شرق کانادا به نحو برجسته ای در این تظاهرات شرکت داشت. یک میز کتاب و نمایشگاه از جانب فعالین حزب از همان ابتدا در دانشگاه تورونتو دایر شده بود که مورد مراجعه تعداد زیادی از مردم قرار گرفت.

مراسمی نیز در تورونتو از ساعت هفت شب به فراخوان سازمان آزادی زن و کمپین علیه دادگاههای شریعه برپا شد که سخنرانان مختلفی از جمله هما ارجمند، میترا دانشی، خیال ابراهیمی، عصام شکری در آن سخنرانی کردند.

مراسمی به فراخوان "کمیته روز جهانی زن" از ساعت ۱۰ صبح در دانشگاه تورونتو صورت گرفت. فعالین حزب با برپایی یک میز کتاب و نمایشگاه مربوط به هشت مارس شرکت کردند. اعلامیه ها و توزیع شد.

### اتاوا

تظاهراتی به فراخوان "کمیته هشت مارس" صورت گرفت. سهیلا بیانی مسئول کمپین علیه دادگاههای اسلامی یکی از سخنرانان اصلی بود. سخنان او مورد استقبال وسیع حاضرین قرار گرفت و خبرنگاران با او مصاحبه کردند.

### ونکوور

روز جهانی زن در شهر ونکوور کانادا با شرکت صدها نفر از زنان و مردان با تجمع و راهپیمایی و سخنرانی و اجرای نمایشنامه در روزهای چهارم و پنجم مارس گرامی داشته شد. در انتهای این گردهمایی سرود انترناسیونال بطور زنده و همراهی جمعیت اجرا گردید.

### نیویورک

روز جمعه ۴ مارس به دعوت سازمانهای مدافع حقوق زنان مینا احدی در مورد موقعیت جنبش برابری طلبانه زنان در ایران و افق و دورنمای این جنبش سخنرانی کرد. در این جلسه که تعداد زیادی از فعالین مدافع حقوق انسانی از آمریکا حضور داشتند، در ابتدا فیلم

## جنایت علیه کودکان در جمهوری اسلامی مرزی ندارد!

این صحنه ای از يك معرکه گیری در جنوب تهران است!

مردی با بلندگو اعلام میکند که فرزندش کمر بسته حضرت ابوالفضل است!

و آن فرزند نگون بخت يك کودک اجاره ای است که لحظاتی بعد قرار است بازوان نحیفش

زیر چرخهای ماشین قرار گیرند و پولی در بساط انداخته شود!



**این یک نمونه از شکنجه علنی کودکان در جامعه فقر زده زیر سلطه حکومت اسلامی است!**

**جمهوری اسلامی سرمایه داران را هرچه زودتر باید بزیر کشید!**

Photo by Samad Yazdani for Peykaran

روز جهانی زن در میان مردم توزیع گردید.

### ایند هوفن

روزهای ۶ مارس و ۸ مارس مراسم هشت مارس در شهر ایندهوفن در هلند برگزار شد که بیش از ۳۰۰ نفر در آن شرکت داشتند و فرشته مرادی در هردوی این مراسم در مورد حقوق زنان به زبان هلندی سخنرانی کرد.

همچنین در شهرهای بروس و هلسینبورگ در سوئد و شهر اسلو در نروژ مراسم و تجمعاتی به مناسبت هشت مارس صورت گرفت.

**تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۰ مارس ۲۰۰۵ - ۲۰ اسفند ۱۳۸۳

تسلط این کرایش در همه جا زمینیه را برای کنار آمدن با سیاست سازمان ملل در این نوع کنفرانسها فراهم تر کرده است. این نوع کنفرانسها، از سوی دیگر نقطه ضعفهای جنبش زنان را یکبار دیگر به نمایش میگذارد. \*

است! مردم حق دارند در مقابل رژیمی که تظاهرات آرام برای دریافت مزدشان را بخون میکشد به زور متوسل شوند. پرچم سفید پرچم تسلیم در برابر ماشین سرکوب رژیم اسلامی است و پرچم سرخ پرچم تعرض برای سرنگونی جمهوری اسلامی. \*

### از صفحه ۵ گزارشی از مراسم ۸ مارس ...

رسید. همزمان کنفرانس دیگری نیز از نمایندگان دولتها در جریان بود.

### دالاس

به مناسبت هشت مارس یک گردهمایی در پارک Bob Wood در ruff Park شهر دالاس آمریکا برپا شد در این تجمع سخنرانی و بحث هایی در مورد هشت مارس و مساله تبعیضات علیه زنان و همچنین آپارتاید جنسی در ایران صورت گرفت.

### لندن

در مرکز شهر لندن يك ميز اطلاعاتی در مورد هشت مارس برپا شد و اعلامیه های مربوط به

تظاهرات زنان در هشت مارس سال ۱۳۵۸ در ایران نمایش داده شد و سپس يك سازمان مدافع حقوق زنان با معرفی اهداف و فعالیت های خود، از حاضرین خواست که به مبارزات زنان در ایران و عراق کمک کنند.

اشاره کنیم که هفته اول مارس کنفرانس جهانی زنان در نیویورک با شرکت هزاران تن از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی در جریان بود که مینا احدی نیز بعنوان نماینده کمیته بین المللی علیه سنگسار در آن بعنوان سخنران شرکت داشت و قطعه نامه ای علیه سنگسار به تایید نمایندگان سازمان غیر دولتی

### گفتگو با مینا احدی

از صفحه ۲

کانون اصلی سیاست کنار میکشد، و یا با کانون اصلی سیاست کنار می آید، اگر گرایش فمینیستی در چهارچوب سیستم عمل کرده و اساسا مشغول چانه زنی است،

در هم ریخته است، صدای پای انقلاب را حسابی شنیده اند و میدانند که نه اینها و نه امثال سازگار و رضا پهلوی و جورج بوش ناخدای این کشتی نیستند. جنبش مردم لحظه به لحظه رادیکال تر میشود و مجالی برای این نوع بازی ها برجای نمی گذارد. این پایان کار جمهوری اسلامی

عقب راندن آنها گره میخورد. و اگر جنبش زنان با تسلط خط و گرایش فمینیستی اکنون در سراسر دنیا هر چه صنفی تر شده و هر چه خدماتی تر عمل کرده و خود را از دخالت در

و خودشان رسماً و یا تلویحاً از طرح نظامی جورج بوش برای بمباران خانه و کاشانه مردم حمایت میکنند هجو بودن ماجرای فراندوم نیازی به اثبات ندارد. مردم از روز اول به ریش طراحان این طرح خندیدند. حتی حرفه ای ترین فرصت طلبان تا دیروز ۲ خرداد هم تره ای برای آن خورد نمی کنند. صفوفشان



سیاوش مدرس

## در حاشیه رویدادها

### پرچم سفید یا پرچم سرخ!

امروز لاشه جنبش اصلاح رژیم سرکوبگر اسلامی روی زمین مانده است، صاحب عزا معلوم نیست کیست؟ اما مدعیان فرصت بازم مردم را گناهکار و سزاوار این عقوبت میدانند و نه خودشان را. خاصیت و در واقع بی خاصیتی اینها این است که مسئولیت رفتار و کردارشان را هرگز بعهده نمی گیرند. خود را میفریبند و گمان میکنند که بهرحال رهبران مادام العمر مبارزه مردم هستند. هرچند رهبران واقعی اینها همیشه امثال خمینی و حجازیان و خاتمی و امروز محسن سازگارا یکی از بنیان گذاران سپاه پاسداران جمهوری اسلامی است.

امثال محسن سازگارا، رضا پهلوی، مهرانگیز کار و علیرضا نوری زاده این بار به صف شده اند تا در يك روز آفتابی، لباس رسمی پوشیده، فراندوم لغو حکومت اسلامی را به امثال خامنه ای ها و رفسنجانی ها و اوباش دوروبرشان تحمیل کنند، نقطه اتکایشان هم جورج بوش است و حمایت دوفاکتوی دول اروپایی به اضافه چاشنی نرم اعتراض از پائین.

مجنونی به اسم هخا چند ماه پیش مردم را فراخواند که لباس سفید پوشیده به استقبالش بروند و اینها میگویند مردم پرچم سفید بدست، نرم اعتراض کنند تا این رژیم بیافتد و اینها بیایند و حکومت را تحویل بگیرند، بعد هم مردم کمربندهایشان را سفت کنند که مهین آریائی را آباد کنند، اما مبادا دست به ترکیب ثروتهای انباشته شده در کیسه مشتکی مفتخور دزد و کلاش و سفته باز و ملا و بازاری بزیند! این دیگر شرط دمکراسی نیست!

ظاهراً صفشان "کثیرالعهده" است یعنی پانصد و خورده ای نفر طوماری امضا کرده اند که الاویلا رژیم اسلامی باید فراندوم کند و گرنه اینها بازم ناامید میشوند و شکست میخورند! و از این گذشته جورج بوش ناراحت میشود، نا امید میشود و آنوقت ممکن است روزگار عراق را به سر مردم ایران هم بیاورد.

میگویند که بلاخره فهمیدند که خاتمی و حجازیان دشمنان به دم ولی فقیه گره خورده است. میگویند از اصلاحات و رفم در جمهوری اسلامی شکست خورده و نا امید هستند و برای اینکه باز امیدوار شوند و در صحنه سیاست جانی به خود بدمند می خواهند در جمهوری اسلامی که ظرفیت "رفم" اسلامی را هم نداشت فراندوم کنند!!!

تا همین دیروز صفوف متحد "اپوزیسیون" به اصطلاح لیبرال دولت اسلامی از B.B.C گرفته تا CNN، از فستیوال های سینمایی گرفته تا کنفرانس برلین، از کثیرال انتشار ترین رسانه ها گرفته تا محافل بگو مگوی پنهانی با نوبادگان جنبش اسلام سیاسی "دمکراتیک!" در سفارت خانه ها و چلوکبابی ها و کوچه پس کوچه های لندن و پاریس و برلین فکر سرنگونی جمهوری اسلامی و لغو کلیت و تمام قوانین ضد بشری را به باد ناسزا می گرفتند! آماج حمله اینها ما بودیم! یعنی کسانی که میگفتند جمهوری اسلامی اصلاح ناپذیر است، رفم بردار نیست، به سرکوب زنده است، مردم ماشین سرکوب رژیم را به مصاف طلبیده اند. به اینها میگفتیم جمهوری اسلامی بدون سرکوب حتی يك روز و يك ثانیه هم برجا نمی ماند، اینها ما را خشونت طلب و جمهوری اسلامی را اصلاح پذیر و غیر خشن اعلام میکردند! البته بجز يك جناح آن! به اینها میگفتیم که مردم در ایران در يك زندان هفتاد میلیون نفری گرفتارند، نان، آب و حق حیات خودشان و فرزندانشان به گروگان گرفته شده و از هر منفذی برای اعتراض استفاده میکنند، به اینها میگفتیم که جنبش مردم دارد از شکاف درون هیئت حاکمه به خارج فوران میکند، به اینها یادآوری میکردیم که شما در اروپا و آمریکا و بدون دهان بند دارید از رژیم حمایت میکنید که میدانید منطق وجودیش سرکوب است و بس.